

قلمرو جهانی شدن و مسأله ارتباطات انسانی

الهام قیاسی^۱

^۱ کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی و مدرس دانشگاه

چکیده

بشر در طول تاریخ، خصوصاً از زمانی که توانایی های خود را کشف کرد، همواره برای دستیابی به پیشرفت و گسترش دامنه ارتباطات و نفوذ خود در تلاش و تکاپو بوده است؛ پدیده جهانی سازی، که دارای جنبه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، سیاسی و ... است، در انتهای قرن بیستم ظهور یافت و هم اکنون به یکی از بزرگ ترین چالش های فکری بشر تبدیل شده است. جهانی سازی در همه ابعاد و حوزه ها، فرصت ها، محدودیت ها و تهدیداتی را به دنبال دارد. سؤال اساسی این است که چگونه می توان با پدیده جهانی سازی برخورد یا تعامل داشت؟ آیا جهانی شدن به تولید و استقرار یک فرهنگ عام سیر می کند؟ یا با حفظ و حتی تقویت لایه های پیشین، به تولید هویت جدیدی متناسب با اوضاع جدید می پردازد؟ همزمان با پیشرفت جوامع، ارتباطات روند پیچیده تری یافته است، در این میان برخی کشورها تلاش دارند تا دیگر جوامع را تحت کنترل و هدایت خود در آورند و در موضع ضعف نگه دارند. به تبع این خصوصیات، از نتایج چندوجهی جهانی شدن، برانگیخته شدن دیدگاه ها و داوری های بعضاً متناقض در میان تحلیلگران است.

واژه های کلیدی: جهانی شدن، بعد اجتماعی، ارتباطات و فرهنگ، عصر فرامدرن

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

یکی از مسایل محوری و عمده که در ابتدای شکل‌گیری نظریه جهانی شدن اذهان بسیاری را به خود مشغول داشته و به موضوع مرکزی نظریه پردازان این حوزه تبدیل شده پیدایی هویت‌های عام و همگون در جهان بود. در این مرحله بسیاری از این نظریه پردازان با تعبیر متفاوتی از تأثیرات همگون ساز و یکنواخت‌کننده هویتی و فرهنگی جهانی شدن سخن به میان آوردند. از این منظر جهانی شدن به معنای امریکایی شدن، غربی شدن یا مک دونالدی شدن، صرفاً محدود به حوزه‌های اقتصادی یا سیاست نمی‌گردد، بلکه حوزه فرهنگ را نیز در بر می‌گیرد (کچوئیان، ۸۴).

جهانی شدن تأثیر شگرف و غیر قابل انکاری بر تمامی جنبه‌های زندگی انسان‌ها گذاشته است. فرهنگ، اقتصاد، سیاست و ... از حوزه‌هایی هستند که زیر این تأثیر قرار دارند. کشورهای جهان سوم (در حال توسعه) و به ویژه کشورهای اسلامی از این تأثیر بی‌نصیب نیستند. این تأثیر در حوزه‌های مختلف، متفاوت است. "جهانی شدن در مفهوم عام آن عبارت است از" در هم ادغام شدن" بازارهای جهان در زمینه‌های تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم و... اصطلاحی است که از اواسط دهه ۱۹۸۰ متداول شده و ابعاد و دامنه آن آنقدر وسیع و گسترده است که تمام شئون زندگی بشر را تحت تأثیر قرار داده است، تا جایی که برخی از صاحب نظران آن را به عنوان بزرگترین رخداد تاریخ بشری یاد کرده‌اند. اصطلاح «جهانی شدن» به طور عمده از اواسط دهه ۱۹۸۰ به عنوان یک اصطلاح علمی مورد استفاده قرار گرفت. به نظر رابرتسون مفاهیم جهانی شدن، بیشتر پس از انتشار کتاب مارشال مک لوهان تحت عنوان «اکتشافاتی در ارتباطات» در سال ۱۹۶۰ مورد توجه واقع شد (نظریه دهکده جهانی). جهانی شدن در حقیقت یکی از مراحل پیدایش و گسترش تجدد و سرمایه‌داری جهانی است که سابقه آن، به قرن پانزدهم باز می‌گردد (جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۲)¹.

امروزه پدیده جهانی شدن، یکپارچگی، تعمیم‌گرایی، سیستم باز، نظام آزاد جهانی، بین‌المللی شدن و نظم جدید جهانی با واژه‌های متفاوت اما به مفهوم یکسان در فرهنگ‌های مکتوب و مدون، درج شده و مورد بررسی و نقد و مباحثه نظریه‌سازان و نظریه‌پردازان جهانی قرار می‌گیرد. در این راستا، در نظام آموزش کشورها نیز مفاهیمی نظیر ارتباط آموزش و پرورش با نهادهای حرفه‌ای، ارائه به هنگام آموزش و پرورش و ایجاد برابری آموزشی صرف‌نظر از نژاد، جنس، فرهنگ و قومیت به طور جدی مطرح است (بابا زاده؛ به نقل از اسدی، ۱۳۹۳).

در واقع از سالهای پایانی جنگ جهانی دوم، که همراه با رشد صنایع، ظهور فرهنگ‌های مختلف، ارتباطات و انقلاب در فرهنگ‌ها بوده است، در جهت تقلیل اختلافات جوامع، بسیاری از کشورها به اتحاد و همگرایی جهانی تمایل یافتند؛ اما در این میان گروهی از این کشورها به فکر رهبری این همگرایی بزرگ جهانی افتادند تا با تکیه بر توان نظامی، تبلیغاتی و نفوذ ایدئولوژیک خود بر کشورهای دیگر تسلط یابند و اهداف خود را محقق نمایند. این عوامل به همراه گسترش ارتباطات جهانی که از پیامدهای گسترش پدیده‌های نوظهور تکنولوژی بود، موجب تشدید پدیده‌ای جدید به نام جهانی سازی (و یا دهکده جهانی) شده است. اما در این میان تکلیف چیست، آیا باید خود را بدون هیچ قید و شرطی به این تجمیع جهانی بسپاریم؟ آیا باید به طور قطع و یقین از این پیوستن و منافع آن به نفع عقاید و تفکرات خود کنار بکشیم؟ و یا به استفاده مطلوب از بخش‌های سودمند و متوازن آن پرداخته و به طرد عناصر و مفاهیم نامطلوب بپردازیم؟ جهانی شدن پدیده بزرگ اجتماعی است، که در نیمه دوم قرن بیستم به ویژه در دهه ۱۹۹۰ میلادی به سرعت مراحل تکوین خود را پشت سر گذاشت و اکنون به یکی از چالش‌های فکری و اساسی تبدیل شده است (نیک طلب، ۱۳۹۲). جهانی شدن به زبان ساده فرایند اجتماعی شدن، انسجام، پذیرش مردم، تحمل عقاید آنان و سازگاری و حسن سلوک با مردم به طور متقابل است. در جریان تبادل افکار اندیشه‌هایی تبیین می‌شود که در هدایت و آموزش طرف مقابل اثربخش است. جهانی شدن دارای جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است و با روشهای مناسب و اصول مربوط به هدفهای گوناگون، فعالیتهای لازم را تعقیب و از راهبردهایی برای تسریع و تسهیل

۱- دانشجویان کارشناسی مدیریت امور فرهنگی (اعظم میرزاحمدرسنایی- محمود خدمتگزار- محمدحسن حیدری- کاوه فکور)، پاییز

در نیل به آرمانها استفاده می‌کند. حال می‌توان تعریفی از جهانی شدن ارائه داد که در ادامه به آن می‌پردازیم: «درک متقابل و تفاهم سازگار به منظور ایجاد ارتباط منطقی و اثربخش که به تعامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، آموزشی و زیست محیطی صرف‌نظر از نژاد، جنس، آیین و قومیت‌های گوناگون منتهی می‌شود». با تجزیه و تحلیل این تعریف، فراهم سازی بستر فرهنگی جهانی شدن و یکپارچگی، نیاز به ایجاد مراکز یادگیری و آموزش دانشگاهی دارد که کلید آن در دست رهبران آموزشی است که با استفاده از الگوی مدیریت مشارکتی یعنی کار با مردم و برای مردم و ارتباط متقابل آموزش و پرورش، دانشگاه و صنعت زمینه‌سازی کرده، با آموزشهای کافی و به هنگام به مثابه فرایندی بزرگ میان مرزهای سنتی، فرهنگ های گوناگون رشته‌های علمی پیوندی مناسب برقرار کنند (بابازاده، ۱۳۸۱).

انسان در تمام طول تاریخ برای تحقق پیشرفت در عرصه های گوناگون اعم از مادی و معنوی همواره در تلاش بوده است. پسامدرنیسم، جریانی فلسفی- اجتماعی است، که حوزه های مختلف هنر، ادبیات، علوم اجتماعی و آموزشی را دگرگون ساخته است و هدف ابتدایی این جریان انتقاد از مدرنیته و بن بست های ناشی از آن بود. پدیده جهانی شدن، که دارای جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، سیاسی و ... است، در انتهای قرن بیستم ظهور یافت و هم اکنون به یکی از بزرگ ترین چالش های فکری بشر تبدیل شده است. پژوهش حاضر با هدف مطالعه ابعاد جهانی شدن و ارتباطات، انجام شده است.

مبانی نظری جهانی سازی

از جهانی شدن به عنوان یکی از مهمترین پدیده های زمان حاضر تعاریف و تعبیر مختلفی ارائه شده است و اندیشمندان مختلف از جنبه های گوناگون به آن پرداخته اند. رونالد رابرتسون، جهانی شدن را به معنای «در هم فشردن شدن جهان و تبدیل شدن آن به مکان واحد» قلمداد می‌کنند (رابرتسون، ۱۳۸۵). آنتونی گیدنز در ساده ترین تعریف، جهانی شدن را به معنی زندگی کردن در دنیای جهانی تر یعنی زندگی در دنیایی به هم وابسته تر می‌داند که در آن رخداد های یک سوی جهان مستقیماً بر وقایع سوی دیگر آن تأثیر می‌گذارد (گیدنز، ۱۳۸۴). برخی دیگر، یکی شدن فرهنگ ملت ها را حاصل پیشرفت های عظیم در فناوری ارتباطات و تبادل اطلاعات و نفوذ و گسترش شبکه های رایانه ای و ماهواره ای می‌باشند را یکی از جنبه های مثبت پدیده جهانی شدن تلقی می‌کنند. فرآیند جهانی شدن فرآیند همگن ساز نیست، بلکه فرآیندی تفکیک ساز است و همه چیز را به هم به صورت یکدست توسعه نمی‌دهد و پیامدهایش به هیچ وجه خطرناک نیستند و از آنها هم‌گیزی نیست (سعیدی، ۱۳۸۵).

در نگاه مک لوهان جهان به سوی یکسانی و یکنواختی فرهنگی به پیش می‌رود. فرهنگ ها به تدریج ساختار و محتوای واحدی پیدا می‌کنند و زمینه ساز حکومت جهانی می‌گردند. عقیده تافلر، برخورداری از بالاترین سطح قدرت در مقیاس جهانی معیار اساسی حق حاکمیت بر جهان را تضمین می‌کند. تافلر سرچشمه ی قدرت در عصر حاضر را قدرت علمی و اطلاعاتی و اطلاع رسانی می‌داند. به نظر هانتینگتون، در برتری بر جهان و فرهنگ ها و جوامع، هیچ عاملی به اندازه ی فرهنگ و تمدن کارآمد و تعیین کننده نمی‌باشد. رولند رابرتسون جهانی شدن را احساس یکی شدن تعریف می‌کند (جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۲). مانوئل کاستلز با تأکید بر عنصر ارتباطات و اطلاعات معتقد است جهانی نو در پایان هزاره دوم شکل گرفته است. این جهان در اواخر دهه ۱۹۶۰ و نیمه دهه ۱۹۷۰ میلادی بر اثر تقارن تاریخی سه فرآیند مستقل پدیدار شده است: انقلاب فناوری و اطلاعات، بحران های اقتصادی سرمایه داری و دولت سالاری و شکوفایی جنبش های اجتماعی- فرهنگی. به نظر او روند این تحولات منجر به ظهور «جامعه شبکه ای» شده است (کاستلز، ۱۳۸۰). والرشتاین، در یکی از جدیدترین آثارش درباره ی جهانی شدن (سیاست و فرهنگ در نظام متحول جهانی) بحران عصر جهانی شدن را در نظام جهانی نوین، کشمکش میان هویت های ملی و جهانی می‌داند که به نوعی منعکس کننده کشمکش های سنتی تر در حوزه های سیاست و فلسفه می‌باشند، نظیر کشمکش میان ناسیونالیسم و انترناسیونالیسم و کشمکش میان عام بودن و خاص بودن که زائیده رشد تمدن بورژوازی و پیدایش اقتصاد جهانی کاپیتالیستی اند (جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۲).

گستره جهانی شدن

دسته‌ای از نظریات بر این باورند که جهانی‌شدن نه به یکسان‌سازی و غلبه یک فرهنگ بر سایر فرهنگ‌ها و نه به تنوع فرهنگی به معنای تقویت متوازن فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌های موجود و نه حتی به گزینش و بازترکیب مشترکات فرهنگی در قالب جدیدی تحت عنوان فرهنگ عام و مشترک بشری در عین حفظ و تقویت درجانی از خاص‌گرایی و تمایز، بلکه به نوعی اختلاط، آمیزش و حتی آنارشی فرهنگی و برون‌داد ترکیبی نامتوازن و نامتقارن و دایما تجدیدشونده از عناصر مختلف منجر شده است. این سنتز بیش از هر چیز از شیوع «ارتباطات میان فرهنگی»، اشاعه پرشتاب، فرهنگ‌پذیری ناخواسته، کنده شدن فرهنگ‌ها از قلمرو استقرار خود و ورود و نفوذ آسان و بدون کنترل به قلمروهای یکدیگر، پرتاب شدن افراد به قلمروهای میان‌متنی، فعالیت رسانه‌های فراگیر، ورود آسان مصنوعات فرهنگی بیگانه، کثرت متولیان فرهنگ‌سازی، فقدان مدیریت کلان در عرصه برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری فرهنگی، کالایی شدن اقلام فرهنگی، توطئه‌های سیاسی و فرهنگی و مانند آن ناشی شده است. فرهنگ‌ها در حال تعامل با یکدیگرند و به شکل‌های گوناگون از یکدیگر متأثر می‌شوند (جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۲).

فرهنگ‌هایی که از ابزارهای قوی‌تر و جهان‌شمول برخوردار باشند، بیشترین جایگاه را برای خود در بین سایر فرهنگ‌ها باز می‌کنند و سپس در فرایند زمان به تثبیت خود پرداخته و به یک ارزش در آن فرهنگ تبدیل می‌شوند. بدین ترتیب، نفوذپذیری و فروریزی فزاینده مرزها، فضای امن و خلوت فرهنگ‌ها را نیز از بین می‌برد و در فضای بسیار فراخ زندگی اجتماعی، فرهنگ‌های مختلف به آسانی گسترش و جریان می‌یابند. همه حوزه‌های استحفاظی در هم می‌ریزند و هر فرهنگی به ناچار در فضایی قرار می‌گیرد که عرصه حضور و ابراز وجود فرهنگ‌های دیگر هم هست. بدین ترتیب، فرایند جهانی شدن به واسطه سرزمین‌زدایی، پیوندهای فرهنگ با مکان را تضعیف می‌کند و نظام‌های معنایی را از لنگرگاه محلی خود آزاد می‌نماید، کنار هم قرار گرفتن فرهنگ‌های خاص، ذات‌پروری و مطلق‌گرایی فرهنگی را به شدت متزلزل می‌کند (گل محمدی، ۱۳۸۱).

یونسکو ضمن تأکید بر اینکه همه فرهنگ‌ها بخشی از میراث مشترک بشری‌اند و هویت فرهنگی هر ملت از طریق تماس تفاهم‌آمیز با سنت‌ها و ارزش‌های دیگران تجدید شده و غنا می‌یابد، در توضیح تنوع فرهنگی بر آن است که:

در جهانی که نزدیک به ۱۰۰۰۰ اجتماع انسانی در مرزهای حدود ۲۰۰ کشور همزیستی می‌کنند تنوع فرهنگی بدین معناست که تمامی افراد و گروه‌ها بتوانند از حقوق فرهنگی خود بر مبنای حقوق بشر و آزادی‌های اساسی انسان بهره‌مند شوند. همه فرهنگ‌ها امکان فعالیت مساوی همگام با سایرین را داشته باشند و در این زمینه انواع تبعیض‌ها و نابرابری‌ها به دلایل مختلف وجود نداشته باشد. هر چند جوامع انسانی در خیلی از ویژگی‌های فرهنگی با هم اشتراکاتی دارند، اما در عین حال، همه جوامع چه در حوزه داخلی و چه در مقایسه با همدیگر، به درجات مختلف دارای سرشت نامتجانس فرهنگی هستند. این تنوع و کثرت باید همچون «تنوع زیستی» به عنوان «میراث مشترک بشری» و «گنجینه سرشار تجربه، خرد و رفتار تمام انسان‌ها» مورد حفاظت و حمایت قرار گیرد. اصل کثرت‌گرایی به معنای دیگرپذیری و احترام به کثرت فرهنگ‌ها، هم در داخل کشورها و روابط بین قومی و هم در مناسبات بین کشورها حایز اهمیت بسیار است. حق برخورداری از فرهنگ خاص خود، حق ابراز ایمان و اجرای مراسم دینی خاص خود، حق استفاده از زبان خاص خود، حق شرکت در زندگی فرهنگی و... از جمله مواردی هستند که در حوزه داخلی می‌توان آنها را برشمرد (آذری، ۱۳۸۵).

فرآیند جهانی شدن از اهمیت دولت‌ها و حاکمیت‌های داخلی می‌کاهد و به این صورت به قدرتمندتر شدن حاکمیت بین‌المللی کمک کند. از طرفی، امروزه در دوره پست مدرنیسم که یکی از بزرگ‌ترین مباحث در همه محافل علمی، رسمی و غیررسمی است، به سر می‌بریم و شاهد شکل‌گیری انجمن‌های فراوانی با دغدغه‌های مشترک هستیم که افراد دارای مشکلات یا دغدغه‌های مشترک را با هدف کسب راه حل‌های مطلوب برای مواجهه با مسائل زیست‌محیطی، سیاسی، آموزشی و بحران‌های بین‌المللی به هم پیوند داده است.

ابزارهای ارتباطی

همانطور که می دانید دنیا بخصوص رسانه های جمعی در حال تغییر و تحول است و اینترنت یکی از عوامل اصلی جهانی شدن است. حال اتفاقی که افتاده این است که شبکه اینترنت رسانه های جمعی قبلی را در هم ادغام کرده است. ما اگر تاریخ رسانه های جمعی را مطالعه کنیم می بینیم زمانی که تلویزیون یک رسانه جمعی شد و روی صحنه آمد دست اندرکاران رادیو فکر می کردند که دیگر کارشان را از دست خواهند داد. فکر می کردند که تلویزیون یعنی مرگ رادیو. اما می بینیم عملاً این اتفاق رخ نداد و محتوای رادیو و تلویزیون عوض شد. همزمان با آمدن تلویزیون در صحنه، دست اندرکاران تهیه فیلم هم به تلویزیون به عنوان یک حمله و تهاجم نگاه کردند و فکر می کردند با آمدن تلویزیون آنها از صحنه خارج می شوند و این در واقع جدالی بود بین رادیو، تلویزیون و فیلم و باز می بینیم فیلمها برنامه تلویزیون شدند و باز با آمدن ویدیو نیز همین تفکر شکل گرفت و بازهم دیدیم که آنگونه که می گفتند نشد و هیچکدام از اینها با آمدن دیگری از بین نرفتند بلکه تغییر و تحول پیدا کردند. و حال نیز می گویند با آمدن اینترنت، ما در آینده یی نزدیک دیگر کتاب نخواهیم داشت. چون در حال حاضر کتابهای الکترونیکی و دیجیتالی داریم. در حال حاضر رسانه یی را سراغ نداریم که محو یا تغییر فرم داده باشد جای هم را نگرفتند ولی محتوایشان تغییر نکرده است. روزنامه ها هم به همین ترتیب است. بدون شبکه اینترنت، بدون تکنولوژی، ماهواره، ... بحث شبکه جهانی نمی تواند مفهومی داشته باشد. در واقع تکنولوژیهای ارتباطی باعث شدند که ما صحبت از جهانی شدن بکنیم. جهانی شدن بحثی بسیار عمیق، جالب و چندجانبه است که از زوایای مختلف می توانیم به آن نگاه کنیم. از دیدگاه ارتباطات و روابط بین المللی من فکر می کنم تکنولوژیهای ارتباطی مرزها را محو و نابود کرده اند. و در دنیای امروز مرزهای جغرافیایی مفهومی ندارند. هر فردی در هر کجای دنیا با داشتن کامپیوتر به شبکه جهانی و به این دهکده جهانی وصل می شود. یک پیامد دیگری که رسانه های بین المللی ایجاد کردند این است که در دنیای امروز تقریباً نمی توان مردم را ناآگاه نگه داشت. مردم می توانند اخبار را از طریق تلفن، فکس، ماهواره، رادیوهای بین المللی و ... بگیرند (کمالی پور، ۱۳۹۳).

امروزه «اهمیت فناوریهای ارتباطی، اطلاعاتی بویژه رسانه های نوین به دلیل کارویژه های آنها است و سیاستمداران و دولتمردان میکوشند تا از طریق آنها مخاطبان آن سوی مرزها را تحت تأثیر قرار دهند؛ چرا که رسانه ها ابزار قدرت نرم به شمار می روند و از توانایی لازم و مؤثری برای نفوذ در افکار عمومی آن سوی مرزها برخوردارند» (کاروثر، ۱۳۸۱). عملیات روانی یا جنگ روانی یکی از شاخه های مختلف جنگ است که میتوان رگه ها و نمونه هایی از آن را در تمام سطوح جنگ یافت؛ همواره بخشی اثرگذار در کلیت جنگ بوده است و «تاریخچه جنگ به شکل مسووطی، کفایت و ارزش عملیات روانی را در میان مجموعه فعالیتهای نظامی روشن میسازد» (متفکر، ۱۳۸۳). پیشرفت فناوری و توسعه وسائل ارتباطی اطلاعاتی، که با مردم رابطه مستقیمی دارد و بر افکار عمومی مؤثر است، بیانگر اهمیت آنها در تمامی ابعاد جامعه جهانی است. به نظر کارشناسان ارتباطات، قرن حاضر، عصر تبادل اطلاعات است. بنابراین، امروزه کشورها برای دستیابی به اهداف و منافع خود در سایر نقاط جهان از این فناوریها بهره های فراوان میبرند و عملیات روانی از جمله کارکردهای این فناوریها است» (شاه محمدی ۱۳۸۲).

ارتباطات مختصات و پیامدهای مثبت و منفی زیادی دارد. اشاعه دموکراسی، از بین رفتن مرزها و آسان شدن رابطه ها، دسترسی به اطلاعات و رد و بدل شدن اطلاعات و یا مکاتبات از جمله پیامدهای مثبت جهانی شدن است. اما از پیامدهای منفی این جریان اطلاعاتی این است که ارزش هایی در یک جامعه دستخوش تأثیر و تأثر می شوند و نزدیکی فرهنگها می تواند از پیامدهای مثبت این قضیه باشد. یعنی همزمان با جهانی شدن رفت و آمدها و تماسها بیشتر می شود. و همزمان با این رفت و آمدها و تماسها تکنولوژیها نیز جابه جا می شوند. جهانی شدن رسانه ها یک اتفاق نیست و ما باید ببینیم در چند سال اخیر در ارتباطات و رسانه ها چه اتفاقاتی افتاده است. به وجود آمدن شرکتهای چندملیتی رسانه یی و غولهای اطلاعاتی یکی از دلایل جهانی شدن رسانه ها است. این شرکتهای بزرگ و غول پیکر هر روز بزرگتر می شوند. ابزارها خوب است، اما اینکه چه کسی، برای چه کاری و چگونه از این ابزارها استفاده کند، مهم است. داشتن یک کامپیوتر دلیل بر پیشرفت ما نیست و یکی از مسائلی که کشورهایی مثل ایران باید بر روی آن فکر و برنامه ریزی کنند این است که فرهنگ بومی خود را با فرهنگ جهانی تطبیق بدهد. از این جمله هر کسی می تواند تعبیرهای مختلف بکند. بعضی ممکن است اینطور تعبیر کنند که این تطبیق

فرهنگ یعنی اینکه ما مثل آمریکا یک کشور پیشرفته بشویم. جواب من این است که حتی آمریکا هم به جز یکسری موارد کامل نیست و نمی تواند به عنوان یک الگوی کامل در پیش روی ما قرار بگیرد. من فکر می کنم مشکل ما آنجاست که فرهنگ استفاده از تکنولوژی ها و فرهنگ بهره برداری از این ابزار تکنولوژی را نداریم. متأسفانه یکی از مشکلات ما جهان سومی ها، این است که ما فقط مصرف کننده ایم. جهانی شدن این فرصت را به ما می دهد که یک کشور تولیدکننده باشیم و بتوانیم کالاهای خود را به سراسر جهان توزیع کنیم. و لازمه آن، عضویت در شبکه جهانی است. در این بحث باید تحقیق کنیم که ایران چه چیزی را می تواند به دنیا عرضه کند که دیگر کشورهای دنیا نمی توانند بکنند و نکرده اند. شما در حوزه ارتباطاتی، در ژاپن اخیراً سریال های موفقی می بینید. در آمریکا سریالهای ژاپنی موفق ترین سریال ها هستند (کمالی پور، ۱۳۹۳). اینترنت به عنوان محیط واسط اطلاعاتی و رسانه فراگیر از ابزارهای نیرومند جوامعی است که در آنها، نگاه کلی به جهان خارج، بیشتر از طریق صفحات وب، پست الکترونیکی (ایمیل) و اتاقهای گفتگو حاصل میشود. این ابداع الکترونیکی چه هنگامی که به عنوان رسانهای برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی انتخاب میشود و چه هنگامی که برای القای مخالفت با دشمن استفاده شود در هر دو صورت برای عامل عملیات روانی، موفقیتآمیز است» (لانگلو، ۱۳۸۲). هر یک از رسانه های جمعی، ویژگیها، توانمندیها، کارکردها و نقاط قوت و ضعف خاصی دارد و بکارگیری صحیح آنها به شناخت صحیح از این موارد بستگی دارد. برخی از رسانه هایی که معمولاً در ره اندازی و هدایت عملیات روانی به کار می روند عبارتند از: تلویزیون، رادیو، رسانه های مکتوب، اعلامیه، سینما و اینترنت.

آسیب ها و چاره اندیشی

امروزه از طریق اینترنت، انواع تحریکات مستقیم و غیر مستقیم، روح، روان و جسم نوجوانان و جوانان را به مخاطره می اندازند. یکی از مهمترین خطرات استفاده نوجوانان بخصوص دختران از اینترنت، بازدید از سایت های مبتذل و مستهجن و خواندن هرزه نگاری هایی است که به سهولت از طریق اینترنت در دسترس افراد قرار می گیرد. تعداد این سایت ها در اینترنت که به صورت تخصصی و با نامی مرتبط به مسائل جنسی فعالیت می کنند، حدود چهار هزار مورد گزارش شده است. با فاصله گرفتن مردم کشورهای اروپایی از معنویت در قرن گذشته و ترویج فساد و فحشاء و با پیشرفت علم و تکنولوژی و دسترسی وسیع و بی قید و شرط به وسایل ارتباطی در دهه اخیر، بنیان و شیرازه خانواده در آن کشورها از هم پاشیده شده است (گروه خانواده تبیان، ۱۳۹۴).

از نظر کارشناسان نوجوانانی که مرتباً از اینترنت استفاده می کنند، معمولاً افراد منزوی و گوشه گیری هستند و برای یافتن فردی که بتوانند با او در مورد این تهدیدات و سوء استفاده ها مشورت کنند یا از وی کمک بگیرند، دچار مشکل می شوند. در تحقیقات صورت گرفته در این زمینه در آگوست سال ۲۰۰۵ (فقط در یک ماه) ۷۱/۹ میلیون نفر از سایتهای هرزه نگاری بازدید کرده اند که متأسفانه بیشترین بازدید کننده از این سایت ها را نوجوانان سنین ۱۲ تا ۱۷ سال تشکیل می داده اند. تحقیقات نشان داده است نوجوانانی که در معرض این سایتها قرار می گیرند در سنین پایین با جنس مخالف ارتباط برقرار نموده و معمولاً در این گونه ارتباطات، دختران مورد سوء استفاده های جنسی قرار می گیرند. در چت رها نیز حجم بالای تبادل عکس های مبتذل و مستهجن (پرونوگرافی) و ورود افراد گوناگون به اتاق های گفتگو، مخاطراتی را برای نوجوانان و جوانان بخصوص دختران جوان ایجاد نموده است.

آسیب شناسی در عرصه فرهنگ، به بررسی آفات و آسیب هایی می پردازد که رنگ و لعاب فرهنگی دارند و عناصر تشکیل دهنده و سازنده عادات، رفتار و کنشهای اجتماعی را تحت تأثیر خود قرار می دهند. از آنجایی که در صورت عدم جلوگیری از این آسیب ها، آنها رفته رفته در فرهنگ اصیل جامعه نفوذ می کنند، بازنشاسی این آسیب ها مهم می نماید. در صورت سهل انگاری در این زمینه، مقاومت افراد در برابر مفاسد و ناهنجاریهای فرهنگی ضعیف می گردد و به مرور زمان این قبیل کنشها رفته رفته نهادینه شده، حکم آداب و سنن حاکم بر جامعه را پیدا می کند و در نتیجه به استحاله فرهنگی و سرانجام به شکل گیری فرهنگی از نوع جدید می انجامد که با فرهنگ اولیه تفاوت بارز دارد (رحمت آبادی، ۱۳۹۳).

از زمانی که این ذهنیت غلط بین اغلب خانواده ها شکل گرفت که جای رایانه در اتاق بچه هاست و آنها بیشترین کاربران این وسیله به ظاهر سرگرم کننده هستند، ناخواسته فرزند نوجوان خود را در معرض شدیدترین آسیب های خانوادگی، اجتماعی، روانی و هزاران آفت مدرن روز قرار دادند. آنچه که می تواند سپری در مقابل تهاجمات فرهنگی باشد، شناخت این آسیب ها و اطلاع رسانی والدین از این خطرات است. از طرفی، امروزه « تربیت رسانه ای » از طریق وسائلی نظیر سی دی، ماهواره و اینترنت جایگزین فضاهای تربیتی خانواده ها شده است، که این امر نیز تهدیدی جدی و نگران کننده برای والدین محسوب می شود. وسایل ارتباط جمعی، با سرعتی وصف ناپذیر گسترش یافته و به پدیده ای عمومی و همه گیر تبدیل شده اند. نسل نو که بازیگران اصلی و سواران پیشتاز این موج هستند، نیز بیش از هر زمان دیگری نیاز به شناختن و شناخته شدن دارند. خانواده ها نمی توانند فرزندان خود را از دسترسی به علوم و فنون روز بازدارند و آنها را در چار دیواری اتاقی خالی محبوس کرده و تمام وسایل ارتباط جمعی را از دسترس آنها دور نگه دارند، بلکه همه وظیفه داریم در این عصر علم و ارتباطات، آنها را نسبت به خطراتی که آرام آرام جسم، روح و روان آنها را تخریب می کند، آگاه سازیم و نحوه صحیح استفاده از این وسایل ارتباطی را به فرزندان مان آموزش دهیم.

پدیده ای که امروزه روبه افزایش است، گسترش ابزارهای ارتباطی و عدم اطلاع والدین از چگونگی عملکرد این ابزارها است و مهم ترین آسیبی که بچه ها از این وسایل می بینند به مدیریت نکردن والدین در استفاده صحیح از این ابزار بر می گردد. به اعتقاد صاحب نظران تعلیم و تربیت، اولین اثرات مخرب استفاده ناصحیح از اینترنت و وسایل ارتباط جمعی «دوگانگی فرهنگی» است. فرزندان ما در استفاده ناصحیح از این وسایل و بخصوص اینترنت دچار تضادهایی می شوند که نمی توانند مسیر زندگی خویش را به درستی با فرهنگ ایرانی اسلامی مطابقت داده و به نوعی دچار سرگردانی و تضادهای فرهنگی می شوند. مسئله بحران هویت نیز، از اصلی ترین آسیب هایی است که در حال حاضر افراد را تهدید می کند. کرمی (۱۳۹۳) کارشناس امور فرهنگی، معتقد است: تک تک آسیب های اجتماعی که در حال حاضر با آنها درگیر هستیم حاصل عدم پرداخت صحیح به مقوله هویت است. بعد از پایان جنگ تحمیلی ایران و عراق، یک خلأ جدی در عرصه هویت سازی ایجاد شد و در ساختار هویتی جامعه ایران، تمایل به تفکر غرب، هویت صنعتی، سبک زندگی و مصرف گرایی مبتنی بر تفکر اختصاصی غرب شکل گرفت و در مورد تعاریف هویت بین نسل جدید و قدیم و بین خانواده ها گسست ایجاد شد و این شکاف روز به روز عمیق تر می شود و توجه زیادی هم به بازیابی هویت صورت نمی گیرد.

برای کنترل و کاهش آسیب های اجتماعی (خصوصاً در بعد فرهنگی و تربیتی) سیاست های مناسبی نظیر توجه به آسیب اجتماعی و اطلاع رسانی به آحاد جامعه، با توجه به اهمیت تربیت در دوره کودکی و تأثیر آن بر شکل گیری شخصیت در مراحل دیگر زندگی، آموزش مهارت های زندگی به کودکان و مربیان مهدهای کودک باید مد نظر قرار گیرد. تشکیل اورژانس های اجتماعی به منظور حمایت و ارائه خدمات به موقع در زمینه بحرانهای فردی و اجتماعی و اقدامات تأمینی و تربیتی، همچنین آموزش مهارت های مقابله با مشکلات و بحرانها، امروزه در همه جوامع مورد نیاز است.

جمع بندی

سؤال اساسی این است که چگونه می توان با پدیده جهانی سازی بر خورد یا تعامل داشت؟ نخست باید گفت که برای مواجهه با هر پدیده ای نیازمند باز اندیشی و اتخاذ پارادایم کارآمد هستیم. مسائل خود را باید حل و فصل کنیم، هم خود فرهنگی و خم خود اجتماعی، و سپس نقشه و طراحی داشته باشیم تا قادر باشیم با هر پدیده و تناقضات متعددی که هر روز در ذهن و زندگی ما قرار می گیرند، کنار بیاییم. تفسیر یک پدیده هم الزاماً نیازمند اتخاذ یک بینش خاص است. انسان بدون بینش پدیده های بسیار خطرناک را خیلی خطرناک نمی بیند، یا پدیده های بسیار عادی را با وسواس ملاحظه می کند. بنابراین ضرورت آمادگی برای دخالت در فرایند تفسیر، مدیریت، و حتی کنترل پیامدهای جهانی شدن نیازمند به آموزش و یادگیری دارد. مدیریت فرهنگی و آموزشی مسأله بازسازی فرهنگی نیازمند تجربه است و کار بسیار طاقت فرسا و زمان بری است. نگاه به جهانی شدن به عنوان یک سیر تحول اساساً ادبیات حماسی را تبدیل به ادبیات علمی و کارشناسی می کند. در این فرایند

همه در یک سیر تحول (نسبت به دیگران) و در یک رقابت فشرده حرکت می کنند. همچنین، در مواجهه با جهانی شدن ما نیازمند راهی برای حل تناقض های ملی، منطقه ای و جهانی هستیم. تناقض بین مجموعه مناسبات جدید و سنتی که در یک فرهنگ بومی از آن استفاده می کنیم و می خواهیم با آنها زندگی کنیم و به عنوان هویت ملی پاس می داریم^۱، فتحی واجارگاه، به نقل از نعمتی آهنگر (۱۳۸۸) معتقد است که هویت ملی در برگیرنده مجموعه ای از ویژگی ها و خصوصیات است که انتظار می رود شهروندان باید آنرا دارا باشند و عمدتاً با هویت جمعی یک جامعه ارتباط دارد. در چنین موقعیتی غفلت از هویت ملی در عصر جهانی شدن باعث فقر هویتی جوانان هر سرزمین شده و جذب آنان در فرهنگ های مهاجم را در پی خواهد شد. از جمله تهدید های نگران کننده، تهدید فرهنگی است که اثرات زیانباری بر جوامع می گذارد (نظرزاده و همکاران، ۱۳۹۵).

ورود و حضور فعالانه و با انگیزه در جامعه جهانی مستلزم فراهم سازی شرایط و امکاناتی است که مهم ترین آن بستر سازی مناسب برای استفاده مطلوب از آن است. نمی توان از تأثیر روزافزون و مؤثر فناوری های نو و توانایی های آنها در بخش آموزش و پرورش چشم پوشی کرد. امروزه «جامعه اطلاعاتی» به سرعت در حال گسترش است؛ سؤال اصلی این است که چگونه می توان حرکت جوامع به سوی استفاده مطلوب از پدیده فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی در عصر اطلاعات را تسریع کرد؟ مشاهده می کنیم که در بسیاری از جوامع، فناوری در مناسبات انسانی، خانه، محل کار و در مهمترین بخش فرهنگ ساز جامعه یعنی آموزش و پرورش رخنه کرده و این میدان به سرعت در حال گسترش است. شاید بتوان به جرأت ادعا کرد که آموزش و پرورش درست در وسط میدان تغییرات سریع جوامع بشری قرار دارد. آیا می توانیم تصور کنیم که آموزش و پرورش از این تغییرات دور افتاده و از مرز نیازهای نو درگذرد؟ (اسدی، ۱۳۹۳).

پدیده جهانی سازی، علاوه بر منافع و فرصت هایی که برای بشریت و جوامع مختلف فراهم نموده است، همچنین محدودیت ها و تهدیداتی نیز به دنبال دارد، که در این زمینه می توان به ابعاد سیاسی، دینی و ارزشی، فرهنگی و آموزشی اشاره کرد (نظرزاده و همکاران، ۱۳۹۵). اینترنت، با انواع تحریکات مستقیم و غیر مستقیم جنسی، روح، روان و جسم نوجوانان و جوانان را به مخاطره می اندازد. یکی از مهمترین خطرات استفاده نوجوانان بخصوص دختران از اینترنت، بازدید از سایت های مبتذل و مستهجن و خواندن هرزه نگاری هایی است که به سهولت از طریق اینترنت در دسترس افراد قرار می گیرد. تعداد این سایت ها در اینترنت که به صورت تخصصی و با نامی مرتبط به مسائل جنسی فعالیت می کنند، حدود چهل هزار مورد گزارش شده است. با فاصله گرفتن مردم کشورهای اروپایی از معنویت در قرن گذشته و ترویج فساد و فحشاء و با پیشرفت علم و تکنولوژی و دسترسی وسیع و بی قید و شرط به وسایل ارتباطی در دهه اخیر، بنیان و شیرازه خانواده در آن کشورها سست و شکننده شده است (گروه خانواده تبیان، ۱۳۹۴).

هیچ جامعه ای نمی تواند مستقل از ملاحظات اخلاقی و ارزشی به سامان بخشی امور اجتماعی و فرهنگی خود اقدام نماید؛ به این جهت مسئله اخلاق و ارزش ها مقوله هایی هستند که تمامی مناسبات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و رفتاری را متأثر می سازند. البته آنچه که در اخلاق و ارزش ها مهم است، علاوه بر تأکید بر ضرورت توجه به اخلاقیات و ارزش ها، توجه به روش ها و رویکردهای درست آموزش اخلاقی و ارزشی است. بسیاری از تردیدها و ابهاماتی که نسبت به اخلاق و ارزش ها وجود دارد، نه لزوماً به خاطر تردید در ضرورت، بلکه به خاطر تردید نسبت به روش های آموزش و تربیت اخلاقی در مدارس و دیگر نهادهای مربوط است. این خود ناشی از فقدان مدل خاص و روشن تربیت اخلاقی و ارزشی است. بنابراین، تبیین و ارزیابی روش ها و رویکردهای مؤثر تربیت اخلاقی و ارزشی می تواند گام مؤثری در جهت حل معضلات مربوط به تربیت اخلاقی و ارزشی به حساب آید.^۲

^۱ - ttt://mmamarrilll.i...ir/tttail//56666

^۲ - vist..ir/mggzziee

جهانی شدن همه ابعاد جامعه بشری را در معرض دگرگونی قرار داده است. از این میان مقوله های فرهنگ و سیاست به عنوان گسترده ترین و پرنفوذترین مؤلفه های انسانی، بیش از سایر موارد دارای اهمیت است. دنیای امروز رفته رفته از مرحله سخت افزاری پیشین به فضای نرم افزاری مجازی وارد شده است. مواجهه مطلوب با چالش های عصر جدید، نیازمند اتخاذ برنامه های پیشگیرانه، اطلاع رسانی و تبلیغاتی متناسب می باشد.

منابع

- رحمت آبادی، اعظم (۱۳۹۳). مطهری و آسیب شناسی فرهنگی، بر گرفته از سایت www.bashgah.net ≠
- سعیدی، علی اصغر (۱۳۸۵). روند پژوهی گفتمان های جهانی شدن. رشد آموزش علوم اجتماعی، شماره ۴. ≠
- شاهمحمدی، عبدالرضا (۱۳۸۲). وسایل ارتباطی سربازان اصلی میدان جنگهای نوین، فصلنامه پژوهش و سنجش، سال دهم، شماره ۳۴. ≠
- کاروثر، سوزان (۱۳۸۱). رسانه ها و فناوری ارتباطات؛ مسائل سیاست جهانی (مجموعه مقالات)، ترجمه سیدمحمد کمال سروریان، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی. ≠
- متفکر، حسین (۱۳۸۳). جنگ روانی، قم: انتشارات پژوهشکده تحقیقات اسلامی. ≠
- اسدی، سیدشهرام (۱۳۹۳). آموزش و پرورش در عصر جهانی شدن، بر گرفته از: <http://danayan.blogfa.com/post-5.aspx> ≠
- نیک طلب، پوپک (۱۳۹۲). آموزش و پرورش و جهانی شدن، بر گرفته از: <http://www.ettelaat.com/etiran/?p=34966> ≠
- لانگو، آنجلا (۱۳۸۲). اینترنت و عملیات روانی، مترجم: پ. کریمی، فصلنامه عملیات روانی، شماره ۱، تهران: معاونت فرهنگی ستاد مشترک سپاه پاسداران. ≠
- حسینی، مهدی (۱۳۹۲). جهانی شدن معرفت: یکسان سازی یا تنوع فرهنگی و سیاست های ملی، چاپ نشده. ≠
- کمال پور، یحیی (۱۳۸۶). جنگ، رسانه ها و تبلیغات، ترجمه: عباس کاردان و حسن سعید کلاهی خیابان، تهران، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران. ≠
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴). چشم اندازهای جهانی، ترجمه محمدرضا جلایی پور، انتشارات طرح نو. ≠
- رابرتسون، رونالد (۱۳۸۵). جهانی شدن: تئوری های اجتماعی و فرهنگ جهانی. ترجمه کمال پولادی، نشر ثالث. ≠
- کچویان، حسین (۱۳۸۴). نظریه های فرهنگ و جهانی شدن: از رویکرد تا واقعیت. فصل نامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات. شماره ۲ و ۳. ≠
- مصونی، مسعود؛ حسینی، مهدی؛ اصل روستا، علی (۱۳۹۲). علل و سیر جهانی شدن، چاپ نشده. ≠
- بابازاده، محمد (۱۳۸۱). جهانی شدن؛ موریه های به جان درآمد دولتها، مجله تدبیر، اردیبهشت ماه ۱۳۸۱. ≠
- گل محمدی، احمد (۱۳۸۳). جهانی شدن فرهنگ و هویت. انتشارات نشر نی. ≠
- نظرزاده، مسعود؛ عزیزی، سکینه؛ شیرکرمی، جواد (۱۳۹۵). چگونگی تعامل آموزش و پرورش ایران با فرآیند جهانی سازی جوامع، مجموعه مقالات سومین کنفرانس بین المللی روانشناسی و علوم اجتماعی. ۱۵ ابان ۹۴. ≠